



روحانه یوسفی

ماما! پول!

چرا رضا پهلوی نمی تواند شاه ایران بشود؟ با توجه به جنبش‌های بشردوستانه اخیر در ایران و سیل خروشان مردم آریایی و مسلح‌مان، امید داشتیم که پس از سال‌ها مبارزه سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی بتوانیم به دوران سراسر شکوفایی پهلوی بازگردیم و ایران رو دوباره از نو بسازیم که با انتشار این مقاله سیاسی از انتشارات مستر کینگ در لندن همه چیز دود شد رفت هوا. حالا بماند که هم اکنون ارتش پیاده نظام مبارزین سیاسی هم به دست نیروهای امنیتی رژیم افتادند و احتمالا دارند از توی گونی صدای گردو درمی‌آورند.

در این مقاله به مستنداتِ اشاره می‌شود که نشان می‌دهد چرا رضا پهلوی، میراث‌دار خاندان ایران‌ساز، نمی‌تواند دیگر شاه ایران بشود. در ادامه به صورت خلاصه به بخشی از این مقاله می‌پردازیم: الف) رضا پهلوی که در عنفوان جوانی مثل پدرش علاقه زیادی به پریدن داشت علاقه خود را برای پدر مطرح کرد و قبل از اینکه جمله‌اش تمام بشود، پدر صف طولی و جمیلی از سکوهای پرش خود برای او فراهم کرد. رضا پهلوی که در آن زمان، موقتاً نمی‌خواست مانند پدر با این و آن ببرد و منظورش پرواز در آسمان بود، از علاقه خود به پرواز گفت. پدر که علاقه وافر او را به پریدن دید، از او قول گرفت که تحصیلات خود را در رشته ولیعهدی ادامه دهد و حالا در کنارش کلاس خلبانی هم برود. رضا پهلوی که از کره‌گی دم نداشت، به کلاس خلبانی رفت و همین که درسش رسید به پرواز انفرادی با جنگنده F5 جنگ ایران و عراق آغاز شد. این یعنی او واحدهای تئوری ولیعهدی را پاس کرده ولی واحدهای عملی را نتوانست به پایان برساند؛ در نتیجه تنها توانمندی او در حال حاضر این است که می‌تواند بپرد آن هم به شرط این که در این ۴۷ سال تمرین پریدن کرده باشد! حالا دیگر بگذریم از پا قدم میمونش که تا سوار جنگنده شد، جنگ شد!

ب) شرط لازم بعدی برای شاه آینده ایران شدن، دارا بودن سلامت جسمی است. که دیگر حداقل به اندازه این آخوندها یک ۵۰ سالی بتواند حکومت کند. رضا پهلوی که در این ۴۷ سال دست به سیاه و سفید نزده و دستانش از عروس الیزابت دوم صاف و صوف‌تر است، به مدت ۴۷ سال فقط خورده و خوابیده یا دیگر نهایتاً نشسته است. از اضافه وزن و چربی خون و کبد چرب و زخم بستر و ... که بگذریم، به علت پهنای باند پیش آمده برای نشیمنگاه ایشان، تخت سلطنت پدر اصلاً دیگر اندازه ایشان نیست و نهایتاً بتواند به عنوان چوب رختی در اتاقش از آن استفاده کند یا حتی می‌تواند مانند گذشته جهت تمرین فقط از آن سان ببیند. او خودش در مصاحبه‌ای اذعان دارد که تنها شغل او در این سال‌ها مبارزه سیاسی بوده است. به عنوان نمونه یکی از مبارزات سیاسی او در این سال‌ها، انتشار فراخوان سراسری جهت گذاشتن زباله‌ها در سطل آشغال در ساعت ۱۲ شب به جای ۹ شب بوده است.

ج) شرط لازم بعدی برای اداره کشوری غنی مانند ایران، داشتن دانش اقتصادی و توان حل بحران‌های اقتصادی است. تنها سیاست اقتصادی‌ای که رضا پهلوی در این ۴۷ سال از آن پیروی می‌کند، مکتب اقتصادی mothercost (مادرکاست = مادر خرج) بوده است. شاید این کلمه شما را به یاد واقعه Holocaust (هولوکاست) بیندازد. هولوکاست یعنی سوزاندن چیزی با آتش به طوری که کامل از میان برود. اگر آن چیز را پول‌هایی که جاوید شاه موقع فرار با خودش از ایران برده است تصور کنید، آن وقت معادله حل می‌شود. رضا پهلوی دارد فقط پول‌ها را دود می‌کند هوا! در واقع تنها تلاش رضا پهلوی در این ۴۷ سال برای پول درآوردن خلاصه می‌شود در دو کلمه: ماما! پول!

پس شاید بهتر باشد به جای خودش روی مادرش سرمایه‌گذاری کرد که حداقل به جای عقل اقتصادی نداشته پسرش، بودجه زیادی دارد. تازه کلاس هم دارد چون دیگر ایران هم مثل انگلستان به جای شاه، ملکه خواهد داشت.



ضمیمه طنز راه راه از کاریکاتور

دبیر سرویس نثر: فاطمه بوجار
دبیر سرویس شعر: فریبا رژیسی
دبیر سرویس کارتون: تمین سلیمانی نژاد
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی

مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و

کاریکاتور انقلاب اسلامی

https://zil.ink/bashghtanz

سسی خرسی؟ نه مرسی!



سیدمحمدجواد طاهری



حال ما خوب است، باور کن تو حالت خوب نیست

اعتراضی هم اگر داریم یا آشوب نیست

گر گمان کردی که با اینها عوض گردد رژیم

ساقی خود را عوض کن جنس تو مرغوب نیست

محمد صوریان

سه چار شبه زامبیا و کودتا

خرسی رو باد کردن و بردن هوا

بی‌خودی پهلوی رو بالا نبر

بالاآوردن اونا رو قبلنا

لیلا تندرو

نخود بودی همیشه توی هر آش

سیاست، فتنه و آشوب و پرخاش

سلبریتی شدی با پول مردم

اقلاً فکر مردم بودی ای کاش!

مرضیه فاسعلی

گونه‌شناسی معترضان

معترضان ایرانی (۱۳۷۸:voa، ۱۳۸۸:twitter، ۱۳۹۸، ۱۳۹۶، iran internasioanal، ۱۴۰۴، ۱۴۰۱) بر چند گونه هستند:

گونه اول که پهلوی‌سانان (reza gholdor، ۱۹۲۶) نامیده می‌شوند در پی هر شلوغی و تجمعی، با صدور اطلاعیه و بیانیه قصد تصرف آن را دارند. هدف نهایی آنان بازگشت شاهنشاهی پهلوی به ایران و نبرد برای آنها همیشه نبرد آخر تلقی می‌شود.

گونه دوم رجوی‌چیان (karl Heinrich marx، ۱۸۱۸) هستند. اعتراض این دسته از معترضان به مسأله گرانی، بیکاری، بی‌آبی، نداشتن ارتباط سالم با دنیا، اقتصاد، معیشت، وضعیت اینترنت و نبودن ازدواج و طلاق سازمانی در کشور است. این دسته رو به انقراض در تلاش است در سال‌های پایانی حیات خود، با استفاده از لذات بصری (call of duty) جوانان را به اعتراض وادارد که اگر حتی باعث براندازی نشوند، لااقل امکان آوردن خاک برای قبر آنها در آلبانی را فراهم کنند.

گونه سوم زالوصفتان (saedinia، ۱۴۰۰) هستند. این گونه از معترضان در اعتراض به گرانی‌ها و عدم ثبات اقتصادی، ضمن گران‌کردن محصولات خود مطابق قواعد بازار آزاد (adam smith، ۱۷۹۰) در صفحات مجازی اقدام به تعطیل‌نمایی کسب و کار می‌کنند تا فضا را برای جامعه در التهاب نگه دارند. به امید روزی که در فردای براندازی و با حضور استارپاکس‌ها و مک دونالد‌ها و کیت‌کت‌ها، بیل به قدشان خورده و مجبور باشند کیفیت محصولات خود را به اندازه آنها افزایش دهند.

گونه آخر که همیشه اول بودند و مردم (Islamic republic of iran، ۱۹۷۹) نامیده می‌شوند، ممکن است به هر دلیلی نسبت به هر چیزی معترض باشند و دلیل اعتراض‌شان ممکن است به تحریم دشمنان خارجی، ناکارآمدی فرامین مدیریتی داخلی، احساس نارضایتی و... بازگردد. این دسته از معترضان به هنگام مشاهده گفتارهای حاضر در صحنه، به سرعت و با هوشمندی صف خود را از دیگر معترضان جدا کرده و به آنان فرصت عرض‌اندام می‌دهند، تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد.

چهارشنبه ۲۴ دی ۱۴۰۴

وطن‌امروز | شماره ۴۵۱۳

طنز

گویی شیطون

غرضی

گروه تلگرامی «روشنفکران روبه‌جلو»

(با عضوگیری محدود و ضریب هوشی نامحدود!)

مغز نوپا: س. شنیدید به کارخونه رفته؟ با همین دوتا چشم‌های خودم دیدم.

هانی: س به شما هم، با چی رفته؟

مغز نوپا: آتیش. البته ساختمونش قدیمی بود ولی این شد دلیل؟

سامی: کار خودشونه...این آتش‌سوزی‌ها برای تست پپیادهای جاسوسی جدیدشونه!

در عمق روشنفکری: صددرصد. ولی چطور اثبات کنیم که این یک مانور برای نرمال‌سازی حضور پیپادها تو آسمون شهره؟ ما به یک مدرک خیلی محکم نیاز داریم تا باهاش پای سازمان ملل رو هم بیاریم وسط.

پهلوشون: تیر برقاً رو آماده کنید رفقا. باید خفت‌شون کنیم.

ممد: آماده نکندید لطفاً!

در عمق روشنفکری: چرا دقیقاً؟ تو نمی‌خوای از حریم خصوصی مردم دفاع کنی؟

ممد: نه، چون این پیپادها فقط کارشون نظامی نیست. اینا مدل‌های خاصی هستن که دارن واقعا کمک می‌کنن.

پپیاد که فقط برای تفریح و مسائل نظامی نیست، اینو همه می‌دونن، همه. اینا پیپادهای آتش‌نشانی جدید هستن که می‌تونن با دوربین‌های حرارتی دقیقاً نقطه کانون آتش رو تو یه ساختمان ۳ طبقه هم پیدا کنن. بعد هم عکس صحنه حادثه رو می‌شوتن برای برویچه‌های آتش‌نشانی تا بدونن از کجا باید شروع کنن. اصلاً به نمونه‌ش رو تو اصفهان تست کردن. کلاً خیلی خفنین.

به امید بازگشت king: اصلاً زمان شاه آتش‌سوزی نمی‌شد. آتیشی چی بود؟! یادتونه؟

مغز نوپا: دقیقاً! با این چیزیا به ظاهر مفید می‌خوان ذهن ما رو شست‌وشو بدن.

ممد: این پیپادها می‌تونن یه بار مفید ۲۰ کیلویی رو هم حمل کنن. مثلاً کپسول آکسیژن یا جعبه کمک‌های اولیه رو برسونن به کسانی که تو یه اتاق محبوس شدن. تو آتیش یا موقع سیل یا حتی وقتی کسی تو ارتفاعات گم شده با کمک این پیپادها می‌تونن عملیات زنده‌یابی انجام بدن.

پهلوشون: بفرما. نگفتم! معلوم نیست این پیپاد الان داره عکس کدوم بدبختی رو می‌گیره که بفرسته تو گونی. اصلاً این دوربین حرارتی می‌تونه از پشت دیوار هم ذهن ما رو بخونه، مگه نه؟

ممد left the group



هسنا کودری

پای تازه

هست اندر سر هوای کودتای تازه‌ای

جور باید کرد فوراً ادعای تازه‌ای

گوش‌های مخملی چون نرم و گرم و راحت است

می‌نشینند تخت در عمقش «برای» تازه‌ای

تا دوباره داغ گردد بحثِ روح‌ت شادها

باید افتد در تنوری نانَوای تازه‌ای

«کاش می‌شد میکس گرم توی خاک خارجه»

آدم معمولی‌ای کرده دعای تازه‌ای

ارده در یک دست و اندر دستِ دیگر هم عسل

رونق این عیش دانی چیست؟ پای تازه‌ای

پای شیرِی او فتاد و پای دالم سبز شد!

پای دندان طمع وا شد به جای تازه‌ای

اگه چپ‌بُنی به هر حال هر جنبشی طبیعتاً

همه‌جنبندگانِ خب جنبش در واقع جنبش‌های تازه‌ای

توی بیت قبل داده ورد جادوگر به شعر

قالبی تازه، عروضی نو، هجای تازه‌ای

یک سلبریتی فرو رفته‌ست در نقشش عمیق

فیلم کرده عده‌ای را با ادای تازه‌ای

می‌فروشد توی پیچ خود لباس پادشاه

تا ز عریان‌شاپِ گیرد چند «کا»ی تازه‌ای

عاقبت آدم نشدا هرچند گاؤِ طفلکی

در علفزار سوئیس سر داد «ما»ی تازه‌ای

نیازمندی‌ها

آگهی استخدام

تحلیلگر سیاسی خیلی خیلی حرفه‌ای

با قابلیت تحلیل کلیه موضوعات

سازمان تاکسیرانی کشور

دوره‌های آموزش براندازی به جدیدترین متدها

پکیج زنده‌زنده سوزاندن مسالمت‌آمیز

پکیج تکه‌تکه‌کردن مسالمت‌آمیز

پکیج داعش در خانه

با تدریس ماهر ترين اساتید موساد

تلفن ۱۸۱۹۲۰

با ما ساده آدم بکشید

تخفیف‌های بلک‌اوری دی

هدیه یک اسلحه روی خرید سه اسلحه

انتخابی‌شما

فروشگاه زنجیره‌ای تفنگ‌نو واقع در مرکز

خرید ترامپ و شرکای تگزاس

وینچستر

مناسب برای استفاده در جنگ‌های شهری

برای کاهش قیمت تخم‌مرغ

دو‌تامامور بیشتر باهاش نکشتن

یه خط ریز گوشه گلنگدنش داره که توی ذوق

نمی‌زنه

شعله‌افکن

دست یک جوان بوده، شبا باهاش می‌رفته

سوخاری

استفاده شده برای اعتراض به گرانی دلار

به کمترین قیمت واگذار می‌شود، صاحبش در حال

محاكمه است

دوره فشرده تودهنی محکم

۱۰۰درصد تضمینی

همه روزه در میادین و مساجد سراسر

کشور

کاریکاتور: حسین احمدی



گمشده

یک سر سوزن عقل متعلق به فردی موسوم به برانداز گمشده. نامبرده، بعد از دیدن اعتراضات اقتصادی از خود بی‌خود شده، از شدت خوشحالی سیم‌هایش اتصالی کرده و با شعار این «این آخرین نبرده، پهلوی برمی‌گرده» سر به بیابان گذاشته و رفته است. وی هنوز به کاسه سر برانداز برنگشته است. از نشانه‌های عقل گمشده این است که وجدانش سوخته و قسمت مربوط به عشق دائم می‌گوید آی لاو یو آمریکا، آی لاو یو آمریکا.

از یابنده تقاضا می‌شود یک قطعه وجدان روی مغز فوق نصب کرده و آن را به صاحبش برگرداند. با تشکر